

سیری در شناخت ادیان [۴]

اسلام

[بخش پایانی]

عبدالعزیز نعمانی

دین اسلام آخرین و برگزیده‌ترین دینی است که خداوند آن را برای هدایت ابدی بشر انتخاب کرده است. این دین، نظام کلی و قانون فراگیر شئون مختلف زندگی انسان است و مجموعه گسترده‌ای از باورهای اعتقادی، عبادی، ارزش‌های اخلاقی، امور اجتماعی، دادوستدها و قوانین مدنی و قضایی را که احکام و چارچوب‌های آن در قرآن کریم و سنت سنیه پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیان شده است، دربر می‌گیرد.^(۱)

در سراسر جهان، اسلام تنها آیین، مکتب و نظامی است که سرچشمه و مصدر آن منحصراً قوانین و احکام الهی بوده، هیچ‌گونه تحریفی در آن راه نیافته و با انگاره‌ها و کجروی‌های نوع بشر دگرگون نشده است. به‌جز دین اسلام، آیین‌ها و نظام‌های دیگری را که امروزه در جهان وجود دارند، می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

۱- آیین، مکتب یا نظام مدنی و بشری محض با سرچشمه اندیشه عقلی و فلسفی یک فرد یا گروهی از افراد که مبنای آن پیشرفت اقتصادی و مادی است و اخلاق و مذهب در آن نقشی ندارد، همانند: ماتریالیسم، کمونیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ...

۲- آیین یا نظام مذهبی بشری، همچون آیین بودایی، کنفوسیوس، هندوئیسم، زرتشتی و ... که فاقد زیربنا و ریشه‌ای الهی و کتاب آسمانی بوده و بر پایه اندیشه و معیارهای اخلاقی و اجتماعی بشری شکل گرفته‌اند؛

۳- آیین یا مکتب و مذهب دینی تحریف‌شده؛ چنین آیین‌هایی اگر چه اصل الهی داشته‌اند اما چنان دستخوش تحریف و دگرگونی شده و باورها و احکامی بدان‌ها افزوده و یا از آنها کاسته شده که اصالت الهی و ربّانی بودن سرچشمه‌شان زیر سؤال رفته است، مانند آیین یهودیت و مسیحیت که با تحریف کتاب‌های تورات و انجیل و حقایق اعتقادی و دینی و شرح‌ها و تاویل‌های بشری، اهداف و مقاصد این ادیان توحیدی به پاره‌ای از اعتقادات شرک‌آمیز و مراسم مذهبی تشریفاتی تبدیل شده است.

در این میان، دین اسلام، یگانه نظام و آیین الهی است که با گذشت قرن‌ها، از تحریف و تغییر مصون مانده و همچنان با عقیده صحیح توحیدی و یگانه‌پرستی پابرجاست.^(۲)

ویژگی‌های دین اسلام

دین اسلام نسبت به تمام ادیان و شرایع دیگر از دو ویژگی مهم و بارز برخوردار است که عبارتند از:

۱- کمال و جامعیت؛

۲- صیانت و محفوظ ماندن از هر نوع تحریف.

کمال و جامعیت؛ یعنی اینکه دین اسلام برنامه کلی زندگی انسان است و محدود به شئون خاصی از زندگی نمی‌شود و در تمام زمینه‌ها و نیازهای بشری اعم از مسائل اعتقادی، عبادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی بحث می‌نماید و با حقیقت اصلی و سرزندگی و طراوت خویش تا ابد باقی است و هرگز آثار و غبار کهنگی بر آن نمی‌نشیند.

خداوند درباره این مزیت دین اسلام می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» [آل عمران: ۱۹]؛ بی‌گمان دین (برگزیده) در پیشگاه الله، اسلام است.

همچنین روزی که فرامین این دین به نقطه کمال رسید، فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» «مانده: [۳]؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (خداپسند) برای شما برگزیدم.

این آیه در «حجّة الوداع» و در روز عرفه بر پیامبر اسلام و آخرین منجی عالم بشریت صلی الله علیه و سلم نازل شد، آن‌گاه پیامبر گرامی اسلام خطاب به تمام حاضران فرمودند: «ای مردم! شما درباره من (در روز قیامت) سؤال خواهید شد، پس چه خواهید گفت؟» حاضران و یاران جان‌نثار پیامبر پاسخ دادند: «ما گواهی می‌دهیم که شما پیام الهی را رساندید و امانت خداوند را ادا نمودید و نسبت به امت اسلامی خیرخواهی کردید.» سپس رسول اکرم صلی الله علیه و سلم درحالی که انگشت شهادتش را به سوی آسمان بلند کرده بودند، سه بار فرمودند: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ»؛ بارالها! تو گواه باش.^(۳)

صیانت و محفوظ ماندن از تحریف، ویژگی دیگر دین اسلام است. قرآن با حفاظتی الهی تا ابد از دستبرد و تحریف نوع بشر سالم و مصون مانده است؛ خداوند در این باره می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الدَّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ» [حجر: ۹]؛ همانا ما قرآن را فروفرستادیم و خود نیز نگهبان آن خواهیم بود.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر شک‌گرایان و مدعیان تحریف و بشری بودن قرآن را به مبارزه می‌طلبد و می‌فرماید: «وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» [بقره: ۲۳]؛ اگر از آنچه که بر بنده خود نازل کرده‌ایم (یعنی قرآن)، در شک‌اید، اگر راست می‌گویید یک سوره مانند آن بیاورید و از یاوران و گواهان تان به جز خدا یاری بطلبید.

گذشت روزگار و قرن‌های متوالی حقانیت این خبر قرآنی را تصدیق نموده است و تا به امروز قرآن همچنان باقی است درست به همان صورتی که خداوند آن را نازل کرده است؛ از این رو عقاید اسلامی، عقایدی هستند ربّانی و برگرفته از وحی الهی که باطل از هیچ سویی بدان راه نمی‌یابد. این عقاید ساخته و پرداخته انجمنی از انجمن‌های بشری یا ناشی از الحاق تبصره و تصویب هیئت و پارلمان و یا پیام یکی از پاپ‌ها نیست. هیچ فرشته مقرب و یا پیامبر و یا پیشوا و اندیشمند بزرگی حق ندارد که با اعمال سلیقه، عقاید اسلامی را تغییر دهد و برداشت و آرای شخصی خویش را به نام دین به خورد مردم دهد:

«مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» [غافر: ۷۸]؛ هیچ پیامبری حق

ندارد معجزه‌ای نشان دهد، مگر به فرمان خدا.

«اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» [اعراف: ۳]؛ از آنچه از [جانب] پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی



کنید، و به جای او از اولیا و پیشوایان دیگر پیروی نکنید.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نیز دربارهٔ نوآوری و بدعت گذاری در اصول و احکام دینی می فرماید: «من أحدث فی امرنا ما لیس منه فهو رد»^(۴)؛ هر کسی در دین ما (اسلام) چیزی را که در آن نیست، پدید آورد، دستاوردش مردود و بی اعتبار است.

جهانشمولی اسلام

دین اسلام، دینی است همه گیر و جهانی که تمامی گروه ها، نژادها، ملت ها و طبقات بشر را مورد خطاب قرار می دهد و آیینی است برای تمام نسل ها و دوران ها. محمد پیامبر اسلام، آخرین پیام آور خداوند است و پیامش پیامی جاودانی است که خداوند ماندگاری آن را تا فرارسیدن رستاخیز، قطعی کرده است. بی گمان دین اسلام، همواره پویا خواهد بود و متناسب با نیازهای بشر پیش خواهد رفت. به همین دلیل پیامبر اسلام از سوی خداوند مأموریت می یابد تا رسالتش را رسالتی جهانی اعلام کند: «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا» [اعراف: ۱۵۸]؛ بگو ای مردم! من از سوی خداوند برای همه شما پیام آورده ام.

مفاهیم بنیادی اسلام

مفاهیم بنیادی اسلام تمام جوانب زندگی انسان اعم از مسائل اعتقادی، روحی، عاطفی، عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در برمی گیرد و برای آنها اصول و چارچوب مشخص می کند.

عقیده

در دین اسلام، عقیده مهم ترین و بارزترین نقش را ایفا می کند و انسان منهای عقیده و عمل، مساوی با انسان بی هدف و زیانکار است: «إن الإنسان لفی خسر إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات» [عصر: ۱-۳]؛ سوگند به زمان که انسان در زیانکاری است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند.

محور اساسی ای که همه آیات قرآن حول آن دور می زند، عقیده توحید و یگانگی ذات خداوند است. اسلام باورهای شرک آمیز و چندگانه پرستی را به صراحت رد می کند و فقط ذات واحد خداوند را به عنوان معبود به رسمیت می شناسد. در جهان بینی توحیدی، خداوند متعال حقیقت یکتایی است که وجود هر شخص و هر

چیز دیگر قائم به او است. از دیدگاه امام شاه ولی الله دهلوی (م ۱۱۷۶ ق.) توحید بر چهار محور استوار است:

۱- توحید در وجوب الوجود: اعتقاد به اینکه فقط ذات خداوند واجب الوجود است، قبل از هر چیزی وجود داشته و وجودش برای همیشه و ابدی است و سایر موجودات جهان هستی، ممکن الوجوداند، با مشیت و ارادهٔ خداوند به وجود آمده اند و روزی فنا خواهند شد: «هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم» [حدید: ۳]؛ خداوند «اول» و «آخر» و «ظاهر» و «باطن» است و او بر همه چیز آگاه است.

«کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الإکرام» [رحمن: ۲۶-۲۷]؛ همه چیزهایی که روی زمین هستند دستخوش فنا می گردند و تنها ذات با عظمت و ارجمند پروردگار تو باقی می ماند.

۲- توحید در آفرینش: خداوند آفریدگار جهان هستی است و او به تنهایی تمام مخلوقات را آفریده است. طبیعت و جهان هستی، همه و همه آفریدهٔ خداوند هستند که آنها را به صورتی هماهنگ و موزون در معرض دید ما قرار داده است و به عنوان نشانه ای از قدرت و توانایی خداوند تجلی نموده اند: «و خلق کل شیء فقدره تقدیرا» [فرقان: ۲]؛ خداوند همه چیز را آفریده است، آنگاه چنان که می باید آنها را به اندازه مقرر کرده است.

«خلق الله السموات و الأرض بالحقّ إن فی ذلک لآیة للمؤمنین» [عنکبوت: ۴۴]؛ خداوند آسمان ها و زمین را از روی حساب و برابر حکمت آفریده، قطعا در این آفرینش نشانه بزرگی برای اهل ایمان است.

۳- توحید در تصرف و اراده: اعتقاد به اینکه همه جهان هستی تحت تصرف و ارادهٔ خداوند است و هیچ کس حتی در جزئی ترین مسائل، در ارادهٔ خداوند، دخل و تصرفی ندارد. اوست که همه جهان هستی را به گردش در می آورد بدون آنکه تصادمی در آنها صورت بگیرد: «و الشمس تجری لمستقرّ لها ذلک تقدیر العزیز العلیم و القمر قدرناه منازل حتی عاد کالرجوم القدیم لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل سابق النهار و کل فی فلک یمسحون» [یس: ۳۸-۴۰]؛ [نشانه دیگری از قدرت خداوند، این است که] خورشید با قرار و قاعده معینش جریان دارد، این

محاسبه و تعیین خدای توانا و آگاه است. برای ماه نیز منزل هایی تعیین کرده ایم تا [در سیر خود] چون [هیئت] شاخه خشکیدهٔ دیرین باز گردد. نه خورشید را سزاوار است که [در سیر خود] به ماه برسد، و نه شب بر روز سبقت جوید؛ و هر یک از اینها (خورشید و ماه و ستاره ها) در سپهری شناورند (سیر می کنند).

اوست که به عده ای از بندگان خویش مقام و پادشاهی می دهد و عده ای دیگر را ذلیل و زیر دست می کند:

«قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء» [آل عمران: ۲۶]؛ بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! به هر که بخواهی حکومت و دارایی می بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را باز پس می گیری و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می دهی و هر کسی را بخواهی خوار می داری.

اوست که هر که را بخواهد زنده می دارد و هر کس را که بخواهد می میراند: «إن الله له ملک السموات و الأرض یحیی و یمیت و ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر» [توبه: ۱۱۶]؛ حکومت آسمان ها و زمین تنها از آن خداوند است، اوست که زندگی می بخشد و می میراند؛ و جز خداوند برای شما یار و مددکاری وجود ندارد.

۴- توحید در عبادت: اینکه معبود یگانه فقط خداوند است و همه عبادت های عملی، زبانی، قلبی و مالی باید فقط و فقط به خاطر خداوند و برای او انجام گیرد. هر سجده و کرنشی فقط برای خداوند انجام گیرد و هر دعا و تضرعی فقط به نام او خوانده شود:

- «إِياک نعبد و إیاک نستعین» [فاتحه: ۴]؛ بار الها! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می طلبیم.

- «و اذا سألک عبادی عنی فإنی قریب أجیب دعوة الداع إذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون» [بقره: ۱۸۶]؛ و هنگامی که بندگانم تو را دربارهٔ من می پرسند (که من نزدیکم یا دور، بگو): من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می گویم؛ پس آنان نیز دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند تا راه یابند.

- «و إن یمسک الله بصر فلا کاشف له إلا هو و إن یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور»

می‌دهد: «خذ من أموالهم صدقة تطهّروهم و تزكیهم بها» [توبه: ۱۰۳]؛ از اموالشان زکات بگیر تا بدین وسیله آنان را (از رذایل اخلاقی و گناهان و تنگ‌چشمی) پاک داری و (در آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی و درجات) ایشان را بالا ببری.

۴- حج: مسلمان برای به‌جای آوردن حج، هجرت کنان به سوی پروردگار، جان و مال بر کف، و بار ناگواری‌ها و مشقت‌ها بر دوش، از میهن و زادگاهش دور گشته و خانواده و خویشانش را ترک می‌کند تا به سرزمینی مقدّس برسد، آنجا که نخستین خانه‌خداپرستی بر روی کره زمین بنیان نهاده شده است، سرزمین خاطرات ابراهیم خلیل، اسماعیل ذبیح و هاجر صبور - علیهم‌السلام - و یادگار محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم و دعوت او. در آنجا مسلمان لباس‌های عادی خویش را بیرون می‌آورد و با تمام مظاهر طبقاتی و نژادی و میهنی خداحافظی می‌کند و پیراهنی بر تن می‌کند شبیه کفن مردگان تا فراتر از مادیّت و مظاهر آن قرار گیرد، سپس با قلب و زبان روی به سوی خداوند می‌نماید درحالی‌که شعار و فریادش این است: «لیبک، اللّهم لیبک، لیبک لاشریک لک لیبک، إنّ الحمد و النعمة لک و الملک، لاشریک لک»^(۶).

اخلاق و معاشرت

یکی از ویژگی‌های دین اسلام که در طول تاریخ زینت‌بخش نام آن بوده و پیروان ادیان و ملل مختلف جهان را تحت تأثیر قرار داده و آنان را به اعتراف واداشته است، اخلاق و رفتار اسلامی است. اخلاق در اسلام به تک تک جوانب زندگی انسان، اعم از روحی یا جسمی، دینی یا دنیوی، عقلی یا عاطفی، فردی یا اجتماعی، اهتمام جدی ورزیده و پیشروترین شیوه رفتار درست و برخورد مناسب و والا را برای هر کدام از آنها ترسیم کرده است. اخلاق به این معنا، روح و محتوای همه بخش‌های دیگر ارکان اسلام است. عقاید و تعالیم اسلام منهای اخلاق، به درختی بدون سایه و ثمر می‌ماند، به‌همین خاطر اسلام اهتمام خاصی برای اخلاق قائل شده است تا آنجا که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم رسالت خویش را کوشش برای تحقق مکارم اخلاقی دانسته است: «من به این خاطر برانگیخته شده‌ام تا فضایل اخلاقی را به حد کمال برسانم»^(۷). نگرشی هر چند سطحی به تاریخ

صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه» [انفال: ۳۵]. تا آنکه پیامبر مکرم اسلام آخرین دین را از سوی خداوند برای بشر به ارمغان آورد و به فرمان خداوند عبادت و نیایش را در کامل‌ترین شکل آن مقرر نمود و آن را به کمال رسانید و از تمام آلودگی‌های دوران جاهلیت قبل از اسلام پاک و پیراسته نمود. مهم‌ترین عبادات در اسلام عبارتند از: نماز گزاردن، روزه گرفتن، پرداخت زکات اموال و ادای مناسک حج.

۱- نماز: این عبادت در هر شبانه‌روز پنج‌بار تکرار می‌گردد. تأثیر این عبادت بر تن و جسم، تفاوت چندانی با تأثیر آن بر روح و جان ندارد. همین‌که انسان در ژرفای زندگی روزانه و کارهای سرگرم‌کننده آن غوطه‌ور می‌شود، مؤذن برخاسته و بانگ بر می‌آورد: «الله‌اکبر، الله‌اکبر، ... حیّ علی الصلاة، حیّ علی الفلاح»؛ مسلمان با شنیدن این ندا، خود را از کارهای دنیوی و مادی فارغ می‌کند تا دقایقی در پیشگاه پروردگارش بایستد و خویشتن را بر وی عرضه کند و به دعا و نیایش بپردازد و از گرداب مادیّت به سوی افق روحانیت و از خودخواهی به سوی خیرخواهی و از پرستش نفس و هوا به سوی خداپرستی و یکتاپرستی اوج گیرد.

۲- روزه: از طریق روزه که مدت آن یک ماه است و هر سال تکرار می‌شود، انسان مسلمان به‌منظور پرورش اراده، تمرین تقوا و پارسایی، و تمرین نهایت فرمانبری و کمال محبت و اشتیاق نسبت به خداوند، از طلوع فجر تا غروب خورشید، خود را از هرگونه خوراک و نوشیدنی و کامجویی جنسی، محروم می‌سازد؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «الصیام لی و أنا أجزی به، یدع طعامه من أجلی و یدع شرابه من أجلی و یدع زوجته من أجلی و یدع لذته من أجلی»^(۸)؛ روزه برای من است و پاداش آن با خودم است، چرا که بنده‌ام خوراک و نوشیدنی و همسرش را به خاطر رضای من فرو می‌گذارد و به‌خاطر من از لذایذ چشم می‌پوشد.

۳- زکات: با ادای زکات مسلمان بر تنگ‌چشمی و بخل نفس، پیروز می‌گردد و ثروت و روانش را پاکیزه و پیراسته می‌گرداند؛ همچنین شکر نعمت‌هایی را که پروردگارش به او بخشیده است، به‌جای می‌آورد، و حسّ ایمانی و همدردی خویش را نسبت به افراد کم‌درآمد و فقیر جامعه ابراز می‌دارد. خداوند به پیامبر دستور

الرحیم» [یونس: ۱۰۷]؛ اگر خداوند رنج و زبانی به تو برساند، هیچ‌کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ‌کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواهد می‌کند و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

«أمن یحیب المضطرّ إذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفاء الأرض أئله مع الله» [نمل: ۶۲]؛ [سؤال این است] چه کسی [دعای شخص] درمانده را، چون او را بخواند، می‌پذیرد و سختی را برمی‌دارد و شما را جانشینان زمین می‌سازد؟ آیا با خداوند معبود [دیگری] هست؟

«قل إنّ صلاتی و نسکی و محیای و یماتی لله ربّ العالمین لاشریک له و بذلک امرت» [انعام: ۱۶۲-۱۶۳]؛ بگو: همانا نماز و حجّ و قربانی و زندگانی و موت من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است. خدا را هیچ شریکی نیست و به همین [راه و روش توحیدی] دستور داده شده‌ام.

عبادت و نیایش

منشور عبادت در اسلام، عبارت از اعمال و برنامه‌های معینی است که برای تقرّب جستن به ذات خداوند متعال از سوی ایشان ترسیم شده است، و در قالب شعایر دینی توسط پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم به امت اسلامی تعلیم داده شده‌اند. نکته اساسی در اصل عبادت این است که همانا عبادات برای امتثال فرمان خدا و ادای حقّ بندگی و سپاسگزاری از نعمت‌های بی‌شائبه و انکارناپذیر او انجام می‌گیرند. موضوع و مقصود اصلی در عبادت آزمایش بندگی انسان در برابر پروردگار و اصلاح و تهذیب روح و روان است که هم تأثیرات مثبتی در زندگی مادی انسان دارد و هم باعث اجر و پاداش اخروی می‌گردد.

عباداتی که در دین اسلام معروف‌اند، آیین‌ها و تکالیف قدیمی و کهنی می‌باشند که در ادیان پیش از اسلام هر یک به‌گونه‌ای مورد توجه قرار داشته‌اند، اما در آن ادیان، متناسب با شرایط زمان و مکان به‌شکل خاصی ادا می‌شدند و به تدریج دچار تغییر اساسی شدند تا آنجا که مشرکان مکه که خود را پیروان حضرت ابراهیم قلمداد می‌کردند، زن و مرد برهنه به طواف خانه کعبه می‌پرداختند و نماز را با سوت کشیدن و کف زدن ادا می‌کردند: «و ما کان

کرهتموهنّ فعیسی أن تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیه خیراً کثیراً» [نساء: ۱۹]؛ و با زنان خود به طور شایسته [در گفتار و کردار] معاشرت کنید، و اگر هم از آنان (به جهاتی) کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید؛ زیرا که) چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

مبانی اخلاقی در قرآن کریم به قدری جالب و ایده‌آل هستند که تحسین و اعجاب مستشرقین را نیز برانگیخته‌اند؛ گوستاولوبون - جامعه‌شناس مشهور فرانسوی - درباره اصول اخلاقی در قرآن کریم می‌گوید:

«اصول اخلاقی در قرآن بسیار عالی است؛ قرآن دستور می‌دهد به خیرات و نیکی، میهمان‌نوازی، میانه‌روی در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، محبت به خویشان، اکرام و احترام به پدر و مادر، سرپرستی از بیوه‌زنان و یتیمان، و در جاهای زیادی دستور داده است که بدی را به نیکی مکافات کنید.»^(۱۰)

اقتصاد و سرمایه

بدون تردید بنیان رشد و ترقی و رفاه مادی انسان در عرصه‌های مختلف اعم از علم و تکنولوژی، تمدن و پیشرفت، و قدرت و حکومت، بر اقتصادی سالم و پویا و بر گردش درست پول و سرمایه استوار است. بر همین اساس نگاه قرآن به موضوع اقتصاد نگاهی واقع‌بینانه و جدی است تا آنجا که از مال و ثروت با تعبیر زیبایی و شادابی زندگی یاد می‌کند. همچنین اموال فرزندان را در یک مرتبه قرار داده و آنها را مایه قوام و استواری و پیشرفت ملت‌ها برشمرده و سروسامان یافتن و تحقق مصالح زندگی عمومی و خصوصی جوامع بشری را در گرو وجود آنها دانسته است.

از آنجا که دین اسلام، دینی عملی است و با واقعیت‌های زندگی سروکار دارد، احکام خود را بر اساس همان واقعیت‌ها تنظیم نموده و نیازهای زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد تا در میان نیازهای مادی و معنوی انسان توازن و هماهنگی برقرار شود؛ بر همین اساس شریعت اسلامی برای سعادت و رفاه مادی و اقتصادی رهنمودهای لازم را ارائه می‌کند و مردم را به کسب درآمد از راه‌های جایز و مفید دستور می‌دهد. اهتمام اسلام به کار و فعالیت‌های اقتصادی تا آنجاست که قرآن

دوستانی صمیمی برای شما تبدیل شوند: «و لا تستوی الحسنه و لا السيئه اِدفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم» [فصلت: ۳۴]؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیستند، بدی را با نیکی دفع کن تا کسی که بین تو و او دشمنی بوده، گویی دوستی مهربان و صمیمی است.

خداوند درباره صفات بارز پرهیزگاران می‌فرماید: «الذين ينفقون في السراء و الضراء و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس و الله يحبّ المحسنين» [آل عمران: ۱۳۴]؛ [پرهیزگاران] آنان [هستند] که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خویش را فرومی‌خورند و از خطای مردم درمی‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

- با همه طبقات مردم خوش‌رفتار و با اخلاق باشید: «و اعبدا الله و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدين احسانا و بذی القربى و الیتامى و المساکین و الجار ذی القربى و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم ان الله لا یحبّ من کان مختالاً فخوراً» [نساء: ۳۶]؛ تنها خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید و نیکی کنید به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان، همسایگان خویشاوند، همسایگان بیگانه و همراهان و همکاران، مسافران و بندگان و کنیزان؛ بی‌گمان خداوند کسی را دوست نمی‌دارد که خودخواه و خودستا باشد.

- قرآن درباره انفاق، سخاوت و اجتناب از بخل و اسراف می‌فرماید: «الذين ينفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» [بقره: ۲۷۴]؛ کسانی که دارایی خود را شب و روز (همه وقت) به گونه‌ای پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، اجرشان نزد پروردگارش محفوظ است و نه ترسی بر آنان است و نه ایشان اندوهگین خواهند شد.

«و آت ذالقریبی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذر تبذیراً انّ المبذیرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربّه کفورا» [اسراء: ۲۶-۲۷]؛ حق خویشاوند و حق مستمند و وامانده در راه را بپرداز و به هیچ‌وجه اسراف مکن، بی‌گمان اسراف‌کاران دوستان شیاطین‌اند و شیطان ناسپاس از نعمت‌های پروردگار است.

- درباره رفتار با خانواده و همسر می‌فرماید: «و عاشروهنّ بالمعروف فإن

جاهلیت عرب، این مطلب را به اثبات می‌رساند که اسلام تحول اخلاقی شگرفی را در میان قوم عرب پدید آورد و آنان را در دین، فرهنگ، آداب و اخلاق انسانی، سرآمد جهانیان ساخت. همچنین تاریخ گواه است که رفتار انسانی و اخلاقی مسلمانان چنان والا بوده که بسیاری از ملت‌ها نه به زور شمشیر و سرنیزه، بلکه با تأثر از اخلاق مسلمانان به دین اسلام گرویده‌اند. دکتر عبدالله ناصح علوان - محقق و نویسنده برجسته معاصر - در این باره می‌نویسد: «در تاریخ با خطی اعجاب‌آمیز و تحسین‌برانگیز ثبت شده است که اسلام به جنوب هند، سیلان، جزایر لاکادیو و مالدیو در اقیانوس هند، تبت و ساحل چین، فلپین، اندونزی، شبه‌جزیره ملایو در وسط قاره آفریقا، سنگال، نیجریه، سومالی، تانزانیا، زنگبار، ماداگاسکار و دیگر کشورها با اخلاق اسلامی منتشر شد. در بین تمامی این ملت‌ها، اسلام توسط تاجران مسلمان و دعوت‌کنندگان راستین رسوخ کرد. آنان با رفتار درست، امانداری، راستگویی و تعهدشان تصور حقیقی اخلاق اسلامی را به نمایش گذاشتند و اگر این تاجران دعوت‌گر، در اخلاق و رفتارشان برتری نداشتند و با صداقت و امانداری الگوی دیگران قرار نمی‌گرفتند و سایرین از خوش‌رفتاری و مهربانی آنان متأثر نمی‌شدند، هرگز میلیون‌ها انسان آزاده، مشرف به اسلام نمی‌شدند و از هدایت و لطف آن بهره‌مند نمی‌گشتند.»^(۸)

اخلاق در قرآن

با آنکه قرآن بیانگر عبادات، احکام و فرامین الهی است، در بسیاری از آیات به مسائل و جزئیات اخلاقی پرداخته است که این امر خود دلالت بر گستردگی فرامین اسلامی دارد؛ به تعبیری دیگر، قرآن مظهر و جلوه‌گاه صفات الهی است تا بندگان مؤمن و راستین، خویشان را به آن صفات والا مزین کنند. پیامبر گرامی اسلام خود به تمام معنا نمونه بارز و عملی قرآن بودند. از حضرت عایشه رضی‌الله‌عنها پرسیدند: اخلاق رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - چگونه بود؟ ایشان فرمودند: «(اخلاق آن حضرت نمونه عملی قرآن بود).»^(۹)

- قرآن با ذکر پاداش اخروی مسلمانان را به اخلاق پسندیده و رفتار شایسته فرامی‌خواند تا آنجا که توصیه می‌کند با دشمنان‌تان با اخلاقی برخورد کنید که به

کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است، و از خداوند بترسید، همانا خداوند بر آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

اجرای احکام الهی و حدود شرعی و قانونی در راستای ایجاد جامعه سالم و اسلامی است تا بی‌بندوباری و ارتکاب جرم و جنایت به حداقل ممکن برسد؛ از این رو به منظور پاکسازی جامعه از ابزارها و زمینه‌های بزهکاری، تنبیهات مؤثر و مجازات‌های بازدارنده‌ای تعیین شده است تا فرد خطاکار به تناسب جرم خویش مجازات و تنبیه شود. قوانین فراگیر و گسترده قضایی و تعیین مجازات و حد برای جرم‌های متفاوت در فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ بارزترین مواردی که در شریعت اسلامی، حد به آنها تعلق می‌گیرد عبارتند از: حد قصاص (قتل عمد)، حد سرقت، حد زنا، حد شرب خمر، حد تهمت و حد ارتداد از دین اسلام؛ در سایر موارد که نص صریحی درباره آنها وجود ندارد بنابر رأی قاضی حاکم شرع تعزیر و تنبیه تعیین می‌شود. در پایان، امیدواریم خداوند همه مسلمانان را پیروان راستین و سربلند دین مبین اسلام قرار دهد و همه جهانیان را به سوی این دین رهایی‌بخش و رحمت‌گستر رهنمون سازد. ♦

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- زیدان، عبدالکریم؛ اصول الدعوة؛ ص ۱۳، تهران: نشر احسان، ۱۴۲۲هـ.
- ۲- قرضاوی، یوسف؛ ویژگی‌های کلی اسلام؛ ترجمه جلیل بهرامی‌نیا؛ ص ۶۳، تهران: نشر احسان، ۱۳۷۹.
- ۳- سجستانی، ابوداود؛ سنن ابی‌داود (کتاب المناسک)؛ ج ۲، ص ۵۰، حدیث ۱۹۰۵، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۴- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ الجامع الصحیح؛ ج ۳، ص ۲۲۹، حدیث ۲۶۹۷، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ.
- ۵- المنذری، عبدالعظیم؛ الترغیب و الترهیب؛ ج ۲، ص ۶، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵هـ.
- ۶- ویژگی‌های کلی اسلام؛ ص ۴۸.
- ۷- مالک بن انس؛ مؤطا؛ ج ۲، ص ۹۰۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶هـ.
- ۸- ناصح علوان، عبدالله؛ تریبیه الأولاد فی الإسلام؛ ج ۱، ص ۱۸۰، بیروت: دارالسلام للنشر و التوزیع.
- ۹- شبیبانی، احمد بن حنبل؛ مسند احمد؛ ج ۷، ص ۲۳۴، حدیث ۲۴۷۷۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴هـ.
- ۱۰- گوستاولوبون؛ تمدن اسلام و عرب؛ ترجمه سیدهاشم حسینی؛ ص ۵۳۵، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی، .
- ۱۱- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۸، ص ۳۶۶، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸هـ.

مبعوثون» [مطفّفين: ۱-۳]؛ وای به حال کم‌فروشان، آنانی که وقتی در معامله برای خود می‌پیمایند به تمام و کمال و افزون بر اندازه لازم دریافت می‌دارند و هنگامی که (در معامله) برای دیگر می‌پیمایند از اندازه معین می‌کاهند. آیا اینان گمان نمی‌برند که دوباره زنده می‌گردند (و باید حساب پس بدهند!؟).

حکومت و سیاست

امور سیاسی و تشکیل حکومت، بخشی از نیازهای اجتماعی بشر است و از این رو دین اسلام به این مهم توجه لازم را داشته و چارچوب، اصول و شاخص‌هایی را برای آن تعیین و مشخص کرده است. شکل‌گیری و استقرار حکومت بر پایه دستورات الهی و فراگیر شدن عدالت، رفاه، آسایش، آزادی‌های فردی و رعایت حقوق شهروندان مسلمان و غیرمسلمان از اهداف مهم دین اسلام است. شاخص‌های حکومت اسلامی، گسترش اندیشه خدمت‌محوری، تحقق اهداف الهی شریعت اسلامی در راستای حفظ دین، جان، مال، عقل و نسل انسانی، تحقق عدالت اجتماعی، توسعه آبادانی و عمران، صیانت از آداب و شعایر اسلامی، حمایت از حقوق شهروندان و اقلیت‌های دینی و مذهبی، دفاع از قلمرو اسلامی، همکاری در راستای حفظ صلح جهانی، تقویت دعوت اسلامی در راستای امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با اسلام‌ستیزی است.

قوانین قضایی

قوانین قضایی اسلام عبارت از اجرای حدود الله و پاسداشت حقوق انسان‌ها در چارچوب شرع و قانون است. هر کس باید مطابق و متناسب با جرم و جنایت خویش، سزای عملش را ببیند تا جرئت ظلم و تعدی بر حدود الله و حقوق دیگران را نکند. در راستای اجرای عدالت هیچ نوع تبعیض و اغماضی نباید صورت گیرد، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنان قوم علی ألا تعدلوا إعدلوا هو أقرب للتقوی و اتقوا الله إن الله خبیر بما تعملون» [مائده: ۸]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید؛ بغض و عداوت با گروهی شما را به بی‌عدالتی و اداری نکند، عدالت پیشه

مردم را حتی بلافاصله پس از پایان عبادت مهم و هفتگی نماز جمعه به کسب و کار ترغیب نموده و می‌فرماید: «فإذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون» [جمعه: ۱۰]؛ آنگاه چون نماز [جمعه] گزارده شود در زمین پراکنده شوید و [روزی خود را با کسب و تجارت] از فضل خدا بجویید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.

قرآن هم که از مردم خواسته در جهت کسب دارایی تلاش کنند و هم خواستار اعتدال در خرج و هزینه شده است؛ همچنین از کسب درآمد از راه‌های نامشروع که سودی به حال مردم ندارند و زمینه‌های ارتکاب گناه و فساد را فراهم می‌کنند و یا باعث اشرافی‌گری می‌شوند، برحذر داشته است.

قرآن به صراحت معاملات حرام و زیان‌ده، کسب درآمد از راه قاچاق، دزدی، قماربازی، احتکار، کلاهبرداری، و همه کارهایی را که به امنیت اقتصادی و سلامت روحی و روانی جامعه و حیات فردی و اجتماعی افراد صدمه می‌زند و کرامت و منزلت انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد، حرام و ناجایز قرار داده است:

«و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقا من أموال الناس بالاثم و انتم تعلمون» [بقره: ۱۸۸]؛ اموال یکدیگر را از راه باطل (ربا، کلاهبرداری، غصب و ...) نخورید و آن را به حکام و قضات (به‌عنوان رشوه) ندهید تا از طریق گناه و آگاهانه، مقداری از اموال مردم را به‌دست آورید.

«یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الرّبا أضعافاً مضاعفة و اتقوا الله لعلکم تفلحون» [آل عمران: ۱۳۰]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا نخورید (معامله ربوی انجام ندهید) به افزودن‌ها [و سودها] پی‌درپی و از خدا بترسید باشد که رستگار شوید.

«یا ایها الذین آمنوا إنّما الخمر و المیسر و الأنصاب و الإزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» [مائده: ۹۰]؛ ای مؤمنان! شراب، قمار و نشانه‌های معبودان باطل و تیرهای فال (بخت‌آزمایی) پلید و از کارهای شیطان‌اند، از این کارهای پلید دوری کنید تا رستگار شوید.

«و یل للمطفّفين الذین إذا اکتالوا علی الناس یتستوفون و إذا کالوهم أو وزنوهم یتخسرون الا یظنّ أولئک أنّهم